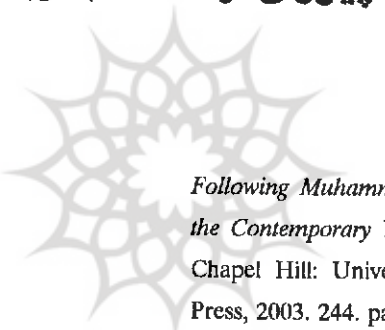


پیروی از محمد(ص)

کارل، دبلیو. ارنست

سید علی هادیان



Following Muhammad: Rethinking Islam in the Contemporary World. By Carl W. Ernst. Chapel Hill: University of North Carolina Press, 2003. 244. pages.

روشن‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

واقعۀ یازدهم سپتامبر موجب انتشار آثار بسیاری هم برای خوانندگان معمولی و هم برای خوانندگان دانشگاهی دربارهٔ اسلام شد. برخی از این آثار کوشیده‌اند تا موضوع خشونت در اسلام را برجسته ساخته و تبیین کنند؛ آثار دیگر سعی دارند که اسلام را در جهان معاصر در چارچوب اجتماعی-تاریخی آن تفسیر کنند. کتاب حاضر که نوشتهٔ کارل، دبلیو. ارنست است، سعی دارد از منظر دیگری به موضوع بنگرد؛ یعنی از منظر جست‌وجوی پسامدرن برای معنویت. از این‌رو، کتاب حاضر مرجع مفیدی برای گروه‌های ادیان در دانشگاه‌هاست. این کتاب منبعی نیست که مستقیماً به اسلام بپردازد و به همین دلیل بسیار جذاب است: «این کتاب نوشته شده تا جانشین کاملاً متفاوتی برای کتاب‌های موجود در باب اسلام باشد» (مقدمه، ص ۱۳)؛ برای پایان دادن به «نادانی و بدگمانی شدید دربارهٔ اسلام» (مقدمه، ص ۱۶). ارنست از منظر معنویت اسلامی

به موضوع اسلام در عصر حاضر (یعنی پس از ۱۱ سپتامبر) می‌پردازد. به علت گرایش رایج به معنویت در غرب، این کتاب به عنوان منبع مطالعه مقدماتی در هر رشته مرتبط با دین کاملاً مفید است.

شگفت آن‌که کتاب ارنست که در صدد بررسی منصفانه باورها و ارزش‌های اسلامی است، توسط ناشر نخستین خود مورد پذیرش قرار نگرفت؛ زیرا پس از یازده سپتامبر هیئت تحریریه آن «شخصاً نمی‌خواستند با کتاب‌هایی که درباره موضوعاتی است که می‌تواند در توجیه تروریسم استفاده شود همکاری کنند» (مقدمه، ص ۱۴). ارنست در سراسر کتابش، ارزیابی‌های رایج از اسلام را که در رسانه‌های جمعی عمومیت دارد، مدنظر قرار داده است. او مدعی است که اطلاعات عموم مردم درباره اسلام اغلب از «تحلیلگران بی‌اطلاع و عمدتاً از رسانه‌های خبری» تأمین می‌شود که از «مراکز جدید مطالعات خاورمیانه‌ای که از سوی دولت فدرال برای کمک به کسانی که از سیاست بهره می‌برند، حمایت می‌شود» (ص ۵۶) و حتی از دیگر دانشگاهیانی که وارد عرصه سیاست شده‌اند؛ مثل برنارد لوئیس (ص ۱۵۶). ارنست سعی دارد تا اسلام را از مباحث داغ سیاسی و تروریسم بین‌المللی برکنار بدارد و هنوز به دلیل همان نگرش‌های سیاسی و ترس از اسلام که به عموم مردم خط‌دهی می‌کند، دیدگاه او تقریباً انتشار نیافته و به طور عمده در دسترس نیست. سرانجام متأسفانه می‌بینیم دانش و دانشگاه هم تحت تأثیر همان فشارهایی است که ناشران گرفتار آنند.

ارنست انکار نمی‌کند که نظرات دین، سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ همچنین منکر این نیست که اسلام عصر حاضر، اغلب برنامه‌های سیاسی اجتماعی دارد. به گفته او، نمی‌توان انکار کرد که «نظرات قوی‌ای هست که نشان‌دهنده تقابل دیرینه میان اسلام و غرب است»، و گویش دینی‌ای که توسط برخی اسلام‌گرایان معاصر استفاده می‌شود «نباید حمل بر اتهام شود؛ بلکه باید از راه اثبات و اقناع، حجیت و اعتبار بسازد» (۸). پاسخ ارنست به نظرات قائل به «اسلام سیاسی» دو بخش دارد. بخش اول و مهم‌ترین که او تأکید می‌کند که این نظرات نه کلیت اسلام است و نه به مهم‌ترین جنبه اسلام به عنوان یک دین اشاره دارد. برای مسلمانان، مهم‌ترین مسئله ارزش‌های معنوی‌ای است که به زندگی معنا می‌دهند و در قرآن و زندگانی محمد (ص) یافت می‌شود. در بخش دوم، ارنست با این استدلال پاسخ می‌دهد که واکنش‌های خشن مسلمین در دو سوم جهان،

پاسخ به میراث تاریخی استعمار است. او به ما گوشزد می‌کند که از زمانی که غرب مسیحی برای توجیه امپریالیسم، استعمار و سلطه‌گری خود از زبان دینی بهره گرفت، مدت زیادی نگذشته است. بر این اساس، او استدلال می‌کند که «استفاده از زبان دینی اسلامی علیه غرب باید به عنوان پاسخی ایدئولوژیک (مکتبی) به استعماری ملاحظه شود که عمداً از چنین زبانی استفاده می‌کند» (ص ۸).

بخش نخست کتاب ارنست، یعنی «اسلام از نگاه غرب» به نظر نمی‌رسد که از ارزش مقصود فراگیر او در بررسی موضوعات دخیل در معنویت ذره‌ای بکاهد. از یک طرف پرداختن به اسلام با تمرکز بر سؤالات مرتبط با «برخورد تمدن‌ها» که درباره «غرب» و «اسلام» بحث می‌کند، کتاب را در زمره کارهایی قرار می‌دهد که ارنست می‌خواهد از آن برحذر باشد، یعنی اسلام سیاسی و بنیادگرایی. از طرف دیگر، در دنیای پس از یازده سپتامبر نمی‌توان متنی درباره اسلام تصور کرد که، قطع نظر از مرکز توجهش، به محوری سیاسی معاصر نپردازد و متهم به خیالی بودن و ساده‌لوحی نشود. متأسفانه ارنست در همین بخش اول کتاب اصطلاحاتی را طرح می‌کند که دقت کافی به آنها نکرده است. این اصطلاحات «استعمار» و «مستشرقین» است. هر دوی اینها را ارنست عمدتاً به عنوان مجرمانی غربی متهم می‌کند که موجب واکنش‌های افراطی اسلامی شده‌اند. گرچه نمی‌شود انکار کرد که دیدگاه‌های استعمار و مستشرق قرن نوزده درباره اسلام برای واکنش‌های اسلام‌گرایانه انگیزه فراهم می‌کند، ولی باید مراقب بود که همه تجارب استعماری و همه مستشرقین را در یک قالب نریخت و به یک چوب نراند. الجزایر، فلسطین و رنان، کراگ نبود. خطر در این بخش اول آن است که ارنست ضمن آن‌که برای از بین بردن پندار کلیشه‌ای از یک اسلام یکپارچه افراطی می‌کوشد، ممکن است به طور ضمنی تصویری از یک غرب یکپارچه امپریالیست ارائه دهد (البته منصفانه آن است که تصور نکنیم که او چنین قصدی دارد). از آن‌جا که این بخش کانون اصلی توجه کتاب نیست، این شروع شتابزده ممکن است خوانندگان را از مقصود اصلی کتاب منحرف کند. باید بگوییم کتاب به دنبال محمد به عنوان مقدمه‌ای بر یک دوره کلاس در باب اسلام و دین در عصر حاضر بسیار مفید است. این کتاب یک متن پایه نیست. به بیان دقیق‌تر «مقصود کتاب ارائه تفسیری توصیفی از گستره تاریخ و منش (عمل) اسلامی است» (۱۰۸) که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را به یک «صدای منفرد» اقتدار فروکاهید (۲۱۳).

ارنست بررسی اسلام را با واردکردن آن تحت عنوان جامع «دین» ادامه می‌دهد. از این‌رو، کتاب حاضر صرفاً بررسی اسلام نیست بلکه مطالعه اسلام به عنوان یک دین است، مشابه همه ادیان دیگر و مشابه همه دیگر پیروان امروزی ادیان که همگی «در فرایندها و تجربیات یکسان مدرنیته (تجدد) در هم تنیده‌اند» (۲۰۲). بخش دوم کتاب، متمرکز بر مفاهیم «دین» و زبان دینی است. در این‌جا، ارنست هم میان تعاریف هنجاری و توصیفی از دین و هم میان تجربه دینی فردی (جمعی) و سنت انباشتی تفاوت مهم قائل می‌شود (ص ۵۳). برای دانشجویان رشته دین مهم است که بتوانند تشخیص دهند که کسی که درباره دین مشخصی صحبت می‌کند، آیا درون یا بیرون دین مشخص است یا نه و این‌که تشخیص دهند که آیا او به راستی صلاحیت گفتن چنین سخنانی را دارد یا خیر. ارنست می‌گوید که این تمایزات معمولاً در رسانه‌های جمعی وجود ندارد. ارنست به جای شروع به بررسی تاریخ و روال کار اسلام و توسعه تمدن آن، کتاب را در بخش سوم با بازنگری «منابع مقدس» اسلام (یعنی قرآن و شخص محمد(ص)) که عامل هدایت دینداری مسلمین بوده، ادامه می‌دهد. نهایتاً هدف او مقایسه میان مبانی دینداری مسلمین با «رویکرد پروتستان به دین» و لوازم آن است (ص ۷۳). او این قسمت را با این بیان به پایان می‌برد: «به معنای کاملاً حقیقی، قرآن به عنوان کلام الهی برای مسلمین نظیر عیسی(ع) به عنوان کلمه الهی نزد مسیحیان است. اگر کسی این قیاس را به عمل دینی سرایت بدهد، مهم‌ترین شعار نزد مسیحیان عشای ربانی است... به طریقی مشابه، وقتی مسلمانی قرآن می‌خواند، کلام خداوند بی‌واسطه بر زبانش جاری می‌شود، به طوری که با قدرت الهی حمایت می‌شود. این تجربه است که قرآن را بخش مرکزی زندگی دینی مسلمین می‌سازد» (ص ۱۰۵).

این هدف در بخش‌های چهارم و پنجم یعنی به ترتیب در «اخلاق و زندگی در جهان» و «معنویت در عمل» گسترش بیشتری می‌یابد. قلب کتاب این است: بحث از انواع و اقسام دینداری‌ها و شیوه‌های عمل در دین اسلام. از این‌رو، ارنست بیشترین قلم‌فرسایی را در باب موضوعات اخلاق و معنویت، که بسیار جذابند، می‌کند. ارزیابی او از معنویت شامل مروری بر عرفان و تصوف است که ترجمه‌های مشهور از ملای رومی (مولوی) و ابن عربی را دربر می‌گیرد. شیوه کار او به طور کاملاً مناسبی متوجه جامعه آمریکاست که تمایل دوباره‌ای به موضوع معنویت نشان داده است. نمونه بارز این روش، گنجاندن

«معنویت شیعه» (زیر فصل بخش ۵) تحت معنویت مشهور است به جای آن‌که آن را تحت نوع عموماً پذیرفته شده بنیادگرایی قرار دهد. توصیفات ارنست از دینداری ایرانی (ایرانیان) و نقاط توجه آن، یقیناً نور تازه‌ای به آن نزد آمریکائیان می‌تاباند: «این مطلب تماماً آموزه فدییه و رستگاری بشر از طریق مصائب مسیح را به یاد برخی از خوانندگان تعالیم مسیحی می‌اندازد. یقیناً شباهت‌هایی میان این تعالیم وجود دارد...» (ص ۱۷۲).

علاوه بر این تفاسیر، که قطعاً موجب تردید دانشجویان دین خواهد شد، این کتاب مفیدترین منبع در احاطه بر وب‌سایت‌های امروزی آن هم برای همه موضوعات تحت پوشش خود است. ارنست که خود وب‌سایتی را اداره می‌کند که منابع متداول در مورد اسلام را برجسته می‌سازد، (<http://www.unc.edu/cernest/islam.htm>) بسیاری از همین نشانی‌ها را در این کتاب ارائه می‌دهد. این امر به خوانندگان اجازه می‌دهد تا با دسترسی به اطلاعات بیشتر درون شبکه جهانی (اینترنت) مطالعه خود را پیگیری کنند. بنابراین، معلوم می‌شود که کتاب کارل دبلیو. ارنست به نام به دنبال محمد(ص)، اثر مهمی در کمک به مدرسان دین است؛ مطالب اولیه مطالعات را برای دانشجویان فراهم می‌کند تا درباره برخی از این موضوعات مرتبط با اسلام در دنیای مدرن (جدید) به خوبی بیندیشند؛ آن هم نه به عنوان دروس برای جامعه غربی بلکه به عنوان دینی تاریخی که می‌کوشد به مسائل مدرنیته (تجدد) پاسخ دهد؛ درست مثل مسیحیت در غرب که از قرن شانزدهم تا به حال می‌کوشد تا خود را بازسازی کند.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی